



علل سر باز زدن رسانه‌های غربی از بازتاب اعتراضات مردم جهان به رفتار ضدانسانی اسرائیل در گفت‌وگو با مدیرعامل سابق ایرنا

پول، لابی و ایدئولوژی صهیونیسم علیه افکار عمومی

گفت‌وگو

فاطمه ترکانوند

خبرنگار

امروز چیزهایی برآیمان عادی و حتی طبیعی شده که اگر دقت کنیم درمی‌یابیم اتفاقاً خیلی هم باید غیرعادی باشند. مثلاً همین که جهان غرب باور دارد که رسانه، رکن چهارم دموکراسی است و افکار عمومی تا این اندازه باید در کشورهای مدعی سردمداری این گفتمان، اهمیت داشته باشد اما رسانه‌های جریان اصلی غرب ظرف هفتاد سال اخیر برخلاف اعتراض‌های گسترده افکار عمومی همان کشورها در ادوار مختلف، هرگز از خط حمایت از اسرائیل خارج نشده‌اند. آیا با استانداردها و نرم‌های گفتمان غرب، چنین مسأله‌ای باید عادی باشد؟ در این باره با محمدرضا نوروزیور، مدیرعامل سابق ایرنا و نویسنده و مدرس حوزه رسانه، گفت‌وگو کردیم:

با وجود اعتراض‌های گسترده مردم کشورهای مختلف چه چیزی باعث می‌شود رسانه‌های جریان اصلی غرب سمت اسرائیل بایستند؟

اصولی و حتی شرکت‌های مرتبط با سرگرمی و افکار عمومی در آمریکا نگاه کنبد یا کلاً متعلق به یهودیان است یا سهامداران عمده آن را چهره‌های یهودی سرشناس طرفدار اسرائیل تشکیل می‌دهند. اصولاً یهودی‌ها فشار بر سیاستمداران، قانونگذاران و گروه‌های هدف و افکار عمومی است. عمده رسانه‌های جریان اصلی که نوآم چامسکی از آنها با عنوان رسانه‌های شرکتی نام می‌برد که تداعی‌کننده وابستگی آنها به پول و قدرت است، تحت تأثیر لابی صهیونیست‌ها و یهود هستند.

از سوی دیگر همین جریان پول و لابی در چند دهه گذشته توانست از درون جریان مسیحیت پروتستان، فرقه کم‌جمعیت و کم‌پیرو وانجلیسم یا مسیحیت تئیسری را که بعضاً در حمایت از صهیونیسم از خاخام‌های اسرائیل هم تندتر هستند به جریان اصلی مذهبی در آمریکا تبدیل کند تا جایی که از میان آنها رئیس جمهور و وزیر خارجه و مقامات ارشد ایالات متحده آمریکا بیرون آمدند. امروزه این افراد با عنوان مسیحیان صهیونیست شناخته می‌شوند که در کنار دو عامل قبلی یعنی پول و لابی دلیل دیگری بر چرایی طرفداری رسانه‌های جریان اصلی آمریکا از اسرائیل محسوب می‌شود. طرفداری این دسته از اسرائیل به دلیل باورهای مذهبی است که نسبت به ظهور حضرت عیسی مسیح و رستگاری در آخرالزمان دارند. تعلیم آنها که عمدتاً خرافی است بر پایه قدرت‌گیری صهیونیست در سرزمین مقدس استوار شده است. به دیگر معنی رستگاری آنها به ظهور مسیح در سرزمین مقدس که از نظر آنها اورشلیم است، گره خورده و ظهور و ظهور مسیح نیز به قدرت گرفتن دولت یهودی در آنجا؛ لذا اگر توجه کنید در زمان دولت‌های جمهوری خواه که مقامات آن عمدتاً مذهبی و ایدئولوژیک هستند، مثلاً و حمایت‌های کاخ سفید از اسرائیل

چندین برابر می‌شود. چه اینکه در دولت ترامپ همین نتانیاهو بهترین روابط را با دولت او داشت، حال آن که روابط او با دولت اوباما بسیار تیره و تار بود.

چرا در میان این رسانه‌ها، مخالف و منتقد جدی رژیم صهیونیستی کمتر به چشم می‌خورد؟

همان‌طور که گفتم رسانه‌های شرکتی در آمریکا بر بستر پول، لابی و ایدئولوژی تشکیل شده‌اند و تار و پود آنها با این سه عامل عجین شده است. لذا به‌صورت خودکار خروجی آنها سوگیری به نفع اسرائیل است. برخی از رسانه‌های جریان اصلی آمریکا که ادعای لیبرال بودن دارند مانند نیویورک‌تایمز که متعلق به خانواده سولزبرگر یهودی است یا سی.ان.ان که بنیانگذار او یعنی تد ترنر یکی از لیبرال‌ترین چهره‌های آمریکایی بود در مقاطعی انتقاداتی از اسرائیل کرده‌اند یا می‌کنند اما بازم جهت‌گیری اساسی آنها حمایت و همسویی با اسرائیل است. اگرچه همین میزان انتقاد از اسرائیل هم از سوی آنها تحمل نمی‌شود. مثلاً در خصوص تد ترنر که سی.ان.ان

و در حمایت از فلسطین را در نیویورک برپا کنند.

واقعیت این است که اگر همین تعداد صداهای مخالف محدود هم نباشند و نبودند وضعیت می‌توانست از این که هست بدتر هم بشود. برخی جریان‌های سیاسی در درون حزب دموکرات نیز که به شدت مخالف حمایت بی‌چون و چرای آمریکا از اسرائیل هستند، معتقدند که باید این صدای مدنی را تقویت کرد تا بتدریج تعادلی در میزان حمایت و وابستگی رژیم صهیونیستی به واشنگتن پدید آید. البته این تلاش‌ها معدود و محدود است اگرچه بی‌ثمر هم نبوده است.



سهم رسانه‌های اسرائیلی در پیمایش این پروپاگاندا به رسانه‌های جریان اصلی چقدر است؟

برخی منتقدان لیبرال در آمریکا که خود را طرفدار فلسطین و منتقد جریان اصلی رسانه‌های غرب می‌دانند، معتقدند که یک سیستم پاداش و تنبیه پنهانی در رسانه‌های غرب جریان دارد که به‌صورت خودکار نفع و ضرر خود را نسبت به نوع پوشش تحولات و رویدادها تشخیص می‌دهد و به آن عمل می‌کند. با این مقدمه کوتاه عرضم این است که اساساً نیازی نیست که رسانه‌های جریان غربی بخواهند از رسانه‌های اسرائیلی الگو بگیرند یا تحت تأثیر آنها باشند. واقعیت این است که در غرب و خصوصاً در آمریکا حمایت از اسرائیل پاداش دارد و انتقاد از این رژیم نه تنها تنبیه بلکه تبعات سختی به همراه دارد. به همین خاطر است که شما گاهی می‌بینید رسانه‌های غربی در توجیه جنایات این رژیم از اسرائیلی‌ها خود اسرائیل هم جلوتر می‌روند یا در دیوسازی از چهره فلسطینی‌ها خصوصاً در این جنگ اخیر بیشتر از رسانه‌های غربی می‌کنند

نکته دیگری هم هست و آن اینکه شما در آمریکا آزادید که هرچه خواستید بگویید اما مهم این است که چند نفر صدای شما را می‌شنوند و چقدر می‌توانید تأثیرگذار باشید. تا قبل از قدرت‌گیری شبکه‌های اجتماعی، جریان مقابل رسانه‌های جریان اصلی اسرائیل انتقاد کنند تنبیه شوند، و حتی خبرنگاران می‌آموزد که اگر از اسرائیل انتقاد کنند تنبیه شوند، و اگر از اسرائیل تمجید کنند، تشویق می‌شوند و ارتقا می‌گیرند. یک ضدانسانی این رژیم با مردم فلسطین به عمل می‌آمد اما نکته این بود که صدای آنها به گوش کسی نمی‌رسید. با روی کار آمدن شبکه‌های اجتماعی، این جریان جایگزین صدای خوبی در افکار عمومی آمریکا پیدا کرد و شما دیدید که همین چند روز پیش آنها توانستند از طریق حرف‌خاوان‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی دادند، یکی از بزرگترین تجمع‌های ضداسرائیلی

اسرائیل نیست چه اینکه شاید برعکس آن نیز محتمل باشد.

حضور لابی‌ها و کنشگران معتقد به مسأله فلسطین در این تغییر رویکرد آنها تأثیر بگذارد یا مانع این پروپاگاندا شود؟

متأسفانه ظهور و بروز رسانه‌های طرفدار فلسطین در قیاس با حجم و اندازه و شعاع عملکرد رسانه‌های جریان اصلی غرب بسیار ناچیز است. یکی از مهم‌ترین رقیبای رسانه‌های جریان اصلی غرب، الجزیره بوده است که باید گفت سایر رسانه‌های مشابه با فاصله بسیار زیاد از این شبکه عقب هستند. جهان اسلام نتوانسته

است آنگونه که باید و شاید روی موضوع رسانه و هنر سرمایه‌گذاری کند. شما نگاه کنید در تمام عالم اسلام و جهان عرب هنوز ۱۰ فیلم سینمایی قابل تأمل که روایت صحیح فلسطین و اشغالگری را به تصویر کشیده باشد، نمی‌توانیم نام ببریم. مصطفی عقدا یک فیلم درباره شخصیت عمر مختار ساخت. در خود آمریکا این فیلم تحسین شد و بسیاری از مردم جهان از طریق این فیلم با جنایات استعمارگران ایتالیایی در لیبی آشنا شدند. در همین ایران خودمان هنوز کاری بهتر از بازمانده درباره فلسطین ارائه نشده است. می‌توان گفت بازمانده حتی یکی از بهترین‌ها در نوع خودش در جهان است. در رسانه هم وضع همین است. اینکه چند کارشناس در رسانه‌های جریان اصلی حضور پیدا کنند، خوب است اما سهم آنها به‌قدری ناچیز است که بلافاصله با موج‌های بعدی حمایت از اسرائیل گم می‌شود. از این‌رو نقش جریان‌های جایگزین خصوصاً شبکه‌های اجتماعی بسیار مهم‌تر است. شبکه‌های اجتماعی صدای بی‌صداها و قدرت بی‌قدرتان شده است. به نظر من هنوز بهترین جا برای تعریف پروپاگاندا صهیونیسم استفاده از شبکه‌های اجتماعی است.



اخبار



جسد بازیگر «فرندز» در خانه‌اش پیدا شد

پلیس لس‌آنجلس، جسد بی‌جان متیو پری، بازیگر ۵۴ ساله آمریکایی، بازیگر سریال «فرندز» (دوستان) را در جگوزی خانه‌اش پیدا کرده و علت مرگ خفگی در آب اعلام شده است. سریال «فرندز»، که زندگی ۶ دوست جوان را در نیویورک سیتی به تصویر می‌کشید، از ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ پخش شد. آخرین اپیزود آن ۵۲.۵ میلیون بیننده در آمریکا داشت که آن را به پربیننده‌ترین قسمت یک سریال تلویزیونی در آن دهه بدل کرد. وی در سال ۱۹۹۶ برای نخستین بار به‌خاطر سریال دوستان نامزد دریافت جایزه بهترین کم‌دین آمریکایی شد. این سریال کم‌دی همچنین با بازیگری جنیفر انیستون، کورتنی کاکس، دیوید شوپیم، مت لایلانگ و لیساکودورو یکی از موفق‌ترین نمایش‌های تاریخ تلویزیون شد. // **ایرنا**

کاریکاتورهای امریکای لاتین در راه موزه هنرهای معاصر

موزه هنرهای معاصر تهران با برپایی نمایشگاه «کارتون و کاریکاتور امریکای لاتین» درهای خود را به روی علاقه‌مندان هنرهای تجسمی باز می‌کند. موزه هنرهای معاصر تهران که از اول آبان ماه جهت آماده‌سازی نمایشگاه جدید خود تعطیل بود، از سه‌شنبه، نهم آبان‌ماه با برپایی نمایشگاهی جدید به کار خود ادامه می‌دهد.

در مراسم افتتاحیه نمایشگاه «کارتون و کاریکاتور امریکای لاتین، محمد خراسانی‌زاده (مدیرکل هنرهای تجسمی و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران)، مسعود شجاعی طباطبائی (دبیر نمایشگاه) و سعید امیرجوید (قائم‌مقام حوزه هنری در امور بین‌الملل) حضور خواهند داشت. این مراسم، سه‌شنبه، نهم آبان‌ماه، ساعت ۱۰ صبح برگزار می‌شود. // **ایرنا**

قتل «جان لنون» سریال می‌شود

قتل «جان لنون» در سال ۱۹۸۰ و تحقیقات در مورد قاتل او «مارک دویید چپمن» قرار است موضوع یک سریال سه قسمتی جدید به روایت «کیفر سارتلند» باشد. «لنون» در دسامبر ۱۹۸۰ در محل سکونتش در شهر نیویورک به قتل رسید. «چپمن» که برای ارتکاب این جرم پنج گلوله از یک هفت تیر مخصوص ۰.۳۸ شلیک کرد، به کشتن لنون اعتراف کرد و به ۲۰ سال حبس محکوم شد. این سریال مستند شامل فیلم‌هایی است که قبلاً دیده نشده بود، از جمله روایت‌های شاهدان عینی و عکاسی از صحنه جرم و همچنین مصاحبه‌هایی با روانپزشکان، وکلای کاراگاهان و دادستان‌های چپمن درکنار روایت‌های برخی از نزدیکان لنون. «لنون» به همراه «بیل مک‌کارتنی» یکی از موفق‌ترین ترانه‌سرایان قرن بیستم به حساب می‌آید. زمانی که در سال ۱۹۷۰ گروه «بیتل‌ها» از هم می‌پاشید، او به‌صورت انفرادی حرفه‌اش را ادامه داد. // **ایرنا**



«گوشتخور» به پردیس تئاتر شهزاد می‌رود

نمایش «گوشتخور» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی عادل عزیززاد و تهیه‌کنندگی محمد بسطامی از هفت آبان لغایت هفتم آذر ساعت ۲۰:۱۵ دقیقه در سالن سه پردیس تئاتر شهزاد روی صحنه می‌رود. در خلاصه نمایش آمده است: «پوست‌کندن آدم‌ها کار آسونیه، باید با دقت پوست و آرام و باحوصله بکنی، باید بالذت پوست بکنی، پوست نباید گوشت و جدا هسته‌ای با استخوان و با خودش بکشه بیرون...» عادل عزیززاد، شربین عطااللهی، مینا هادی‌زاده، محدثه بالازاده، لیلدا تحویلدار، پریا مددی، نهال مطیعی، نسترن باقرزاده، هدیه بختیاری و مینا ولی بازگیران نمایش «گوشتخور» هستند.

روزهای سینمای ژاپن در خانه هنرمندان ایران

سه فیلم از سینمای معاصر ژاپن در قالب برنامه «روزهای سینمای ژاپن» در سالن استاد فریدون ناصری خانه هنرمندان ایران نمایش داده می‌شود. براین اساس فیلم‌های «گل‌های دیگری» به کارگردانی اوکودا یوسوکه، سه‌شنبه ۹ آبان، «خداحافظی طولانی» ساخته کاناکوروتا، چهارشنبه ۱۰ آبان و «درخت آلوی تنها» به کارگردانی واجیما کوتارو، پنجشنبه ۱۱ آبان ساعت ۱۴:۰۲ در سالن استاد فریدون ناصری، خانه هنرمندان ایران نمایش داده خواهد شد. «گل‌های دیگری» داستان مردی جوان به نام «تاکاکی» است که برادر بزرگ‌ترش را از دست داده و به دیدار پدر و مادرش می‌رود. درهمان زمان، گلدانی از بالای ساختمان محل زندگی آنها روی سر مرد همسایه می‌افتد و باعث فوت او می‌شود. تاکاکی تلاش می‌کند بفهمد که آیا پدرش در این حادثه نقشی داشته یا خیر. // **ایرنا**

بازهم خود نشان بدهد که دیپلماسی موردنظر آنها چگونه کار می‌کند. همان‌طور که آمد، از سال ۲۰۰۹، کنی اشتون به‌عنوان اولین نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی کار خود را آغاز و با ورود به بروکسل به‌عنوان یک تازه‌کار، با چالش‌روپارویی و هم‌اندیشی با ۲۸ کشور اروپایی دست‌به‌گریبان شد؛ آن‌ها هم در یکی از پرمخاطره‌ترین دوره‌های سیاسی جهان که مباحث اولویت‌دار کم‌نمود. از بحث داغ روسیه و اوکراین تا توافق هسته‌ای ایران، چالش‌ها، شکست‌ها و لحظه‌های تاریک و روشن بسیاری برای او وجود داشت و از طرف دیگر، بلاپای طبیعی، اقدامات نظامی و... کار او را هر لحظه سخت‌تر می‌کرد. اشتون در این کتاب مدعی است که کارش را با طوری که همه طرف‌ها از او راضی باشند، به‌درستی مدیریت کرده است



اشتون در این کتاب مدعی است که کارش را با طوری که همه طرف‌ها از او راضی باشند، به‌درستی مدیریت کرده است

اشتون در این کتاب مدعی است که کارش را با طوری که همه طرف‌ها از او راضی باشند، به‌درستی مدیریت کرده است



داستان‌های پنهان دیپلماسی

کتاب

موقفیت شخصی، به‌عنوان یک دیپلمات و مذاکره‌کننده برجسته در سطح بین‌المللی شناخته شد؛ یکی به‌خاطر نقش میانجیگری در مذاکرات بین صربستان و کوزوو در سال ۲۰۱۳ و دیگری، نقش اصلی او در توافق هسته‌ای ایران در همان سال. این کتاب بسیار گیرا، عمیقاً شخصی و به‌طرز شگفت‌انگیزی قابل فهم و دستیابی است و خواننده را به بزم موفقیت‌ها، شکست‌ها و شخصیت‌های این دوره پرتلاطم تاریخ دعوت می‌کند. «کاترین مازگارت اشتون در ۲۰ مارس ۱۹۵۶ در لانکستر بریتانیا به دنیا آمد و بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ نماینده اتحادیه اروپا در سیاست خارجی بود. اشتون همچنین عضو حزب کارگر بریتانیا است و سال ۱۹۹۹ لقب بارونس را از ملکه بریتانیا دریافت کرد. او در این کتاب، خاطرات خود را از دوران فعالیت حرفه‌ای‌اش در عرصه سیاست خارجی پیش‌رو می‌مخاطب می‌گذارد و او را به پشت صحنه چالش‌های سرنوشت‌ساز در لیبی و مذاکره با ایران و بحث‌های مربوط به جنگ روسیه و اوکراین می‌برد تا

«خاطرات خانم اشتون» با زیر عنوان «داستان‌های پنهان دیپلماسی قرن بیست و یکم» تازه‌ترین کتابی است که «مؤسسه انتشاراتی ایران» آن را به تازگی منتشر کرده است. این کتاب که خاطرات خودنوشت کاترین اشتون، سیاستمدار و دیپلمات بریتانیایی است و پروین قاضی آن را ترجمه کرده، از جمله کتاب‌های مهم در حوزه دیپلماسی است که نگاه‌های بسیاری را در جهان به خود معطوف کرد.

به گفته کیم داروک، سفیر سابق بریتانیا، کتاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌توان بخشی از اهمیت آن را در این موضوع خلاصه کرد که «کاترین اشتون به‌طرز غافلگیرکننده‌ای به‌عنوان نماینده عالی اتحادیه اروپا - در واقع، وزیر خارجه اتحادیه اروپا - منصوب و در همان ابتدا به‌دلیل بی‌تجربگی از کار برکنار شد، اما به‌خاطر دو